

بررسی موضوع «واقع گرایی» در زندگینامه خودنوشت «الایام» بر مبنای نظریه "ژرژ مای"

نوع مقاله: پژوهشی

مصطفی مهدوی آرا*

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۴

چکیده

«الایام» زندگینامه خودنوشت طه حسین، ادیب معاصر مصری است که در آن خاطرات دوران کودکی و نوجوانی خویش را روایت کرده است. واقع گرایی یا به عبارتی، گزارش عینی و واقعی رویدادها، یکی از مباحث مهم و دشوار در نگارش زندگینامه‌های خودنوشت است؛ "ژرژ مای" ناقد فرانسوی تلاش نموده است در کتاب خود «خود زندگینامه‌نویسی» ماهیت، ابعاد و مرزهای این نوع ادبی را مشخص نماید و مسائلی همچون انگیزه نویسنده از نوشتن زندگینامه و چگونگی فرایند نگارش آن را واکاوی نماید، تبیین این دو موضوع در زندگینامه‌های خودنوشت می‌تواند تا حدود زیادی میزان واقع گرایی نویسنده را در ثبت واقعیت‌های تاریخی مشخص نماید. این جستار بر آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی، و با تکیه بر چارچوبی که "ژرژ مای" برای زندگینامه‌های خودنوشت تعیین کرده است، واقعیت‌های «الایام»، شامل تصاویری که طه حسین از کودکی خود و شخصیت‌های دیگر ارائه کرده و چگونگی پرداختن به حوادثی که اتفاق افتاده، موردبررسی قرار دهد و میزان پایبندی نویسنده را در بیان واقعیت‌ها، تبیین کند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد گزارش طه حسین از شخصیت‌ها و واقعیت‌های تاریخی «الایام» متأثر از انگیزه وی و شیوه پرداخت خاطرات گذشته بوده است. در عین حال ارزش ادبی این اثر نه به انعکاس واقعیت‌های تاریخی بلکه واقعیت‌های ذهنی نویسنده است که وی را در برابر گذشته به انفعال وا داشته است.

کلیدواژه‌ها: زندگینامه خودنوشت، الایام، طه حسین، واقع گرایی، ژرژ مای.

مقدمه

زندگینامه‌های خودنوشت، گونه‌ای جدید از نثر معاصر است که در زمره هنرهای روایی قرار می‌گیرد و در اصطلاح ادبی و امروزی خود، پیشینه‌چندانی ندارد و از ادبیات اروپا وارد ادبیات عربی شده است. در زندگینامه‌های خودنوشت که ادیب نسبت به ثبت حوادث گذشته خویش اقدام می‌کند، چالشی جدی در واقع‌گرایی وی وجود دارد؛ به عبارتی دیگر نظر به اینکه او در فرایند نگارش بر خلاف زندگینامه‌های دیگرنوشت - خود هم ناظر است و هم قاضی، بیم آن می‌رود که تسلیم انگیزه‌های شخصی گردد و واقعیت تاریخی را تحریف کند. موضوع دیگری که ثبت واقعیت تاریخی را در زندگینامه‌های خودنوشت ناپایدار می‌کند، چگونگی فرایند نگارش و مصون ماندن نویسنده از سیطره تخیل هنری، گزینش هدفمند و ترتیب روایی رویدادها و... است.

"ژرژ مای"^{*} (۱۹۳۸ م) ناقد و پژوهش‌گر معاصر فرانسوی یکی از متفکران اثرگذار در حوزه مطالعه زندگینامه‌های خودنوشت است که به تعیین ماهیت خودزندگینامه و تفاوت آن با داستان توجه ویژه‌ای داشته است. مای در باب اول کتاب خود «اتوبیوگرافی» بر اهمیت انگیزه نویسنده در نگارش زندگینامه خود و چگونگی پرداختن به خاطرات گذشته، در شکل‌گیری واقعیت تاریخی تأکید می‌کند و معتقد است «زندگینامه‌نویس هرچقدر تلاش کند نمی‌تواند از سلطه زمان حال رهایی یابد، همان لحظه‌ای که می‌خواهد در آن گذشته‌ای را که درصدد روایت آن است، به صورت منسجم به رشته تحریر درآورد [...] نویسنده در فرایند شکل‌دهی به واقعیت تلاش می‌کند پیوندی منطقی بین خاطرات برقرار کند، پیوندی که گاه محکم‌تر از آن چیزی است که در واقعیت تاریخی آن وجود داشته است» (مای، ۲۰۱۷: ۳۴).

«الایام» زندگینامه خودنوشت طه حسین نویسنده معاصر مصری است و در این پژوهش مبنای تحلیل قرار گرفته است. از آنجا که زندگینامه‌های خودنوشت گاه پایه مطالعات تاریخی و ادبی پس از خود قرار می‌گیرند و ارزش استنادی پیدا می‌کنند، ضرورت اقتضا می‌کند تا این گونه آثار مورد ارزیابی و نقد و نظر قرار گیرند؛ از این رو مقاله حاضر درصدد است، با تکیه بر چارچوبی که "ژرژ مای" برای زندگینامه‌های خودنوشت تعیین کرده است، میزان پابندی طه حسین را در بیان واقعیت‌های تاریخی زندگینامه خود واکاوی کند.

) George May*

۱-۱. پرسش‌های بنیادین تحقیق.

پرسش‌هایی که در این جستار در صدد پاسخ‌گویی بدان هستیم عبارتند از:

الف) انگیزه‌های طه حسین تا چه میزان در تصویرگری منطبق با واقعیت وی از کودکی و شخصیت‌های دیگر «الایام» مؤثر بوده است؟

ب) عناصر دخیل در فرایند نگارش، تا چه حد واقعیت‌های تاریخی «الایام» را متأثر ساخته است؟

۱-۲. پیشینه تحقیق:

«الایام» کتابی است که تاکنون مورد توجه بسیاری از پژوهش‌گران قرار گرفته و از جنبه‌های مختلف بدان پرداخته‌اند؛ اما از جمله تحقیقات مرتبط با بحث حاضر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- کتاب «سيرة الغائب سيرة الآتي؛ السيرة الذاتية في الأيام لطفه حسين» از شکری المبخوت، نویسنده در این کتاب شگردهای طه حسین را در استفاده از ضمیر غایب، انتزاع شخصیتی غیر از خود برای روایت، بکاربردن عنصر خیال در انسجام و پیوستگی حوادث، واکاوی نموده است. ۲- کتاب «الترجمة الذاتية في الأدب العربي الحديث» از یحیی ابراهیم عبداللایم است؛ نویسنده در فصل چهارم به موضوع الایام پرداخته و درصدد بوده تا بگوید انگیزه طه حسین از نوشتن این کتاب هدفمند و جانبدارانه بوده است از این رو طه حسین، برخی حقائق را به عمد و هدفمند انتخاب کرده است. ۳- کتاب «أدب السيرة الذاتية» از عبدالعزیز شرف؛ نویسنده در صفحه ۶۲ تا ۷۰ کتاب مذکور، «الایام» را اعتراض طه حسین به جامعه ادبی مصر دانسته است و در این جستار نیز بدان اشاره خواهد شد. ۴- پایان‌نامه «بررسی مؤلفه‌های ژانر خودزندگینامه در الایام طه حسین و با مادرم همراه سیمین بهبهانی بر اساس نظریات پاسگال و گاسدرف»، محمداکظم طلایی برآبادی در این پایان‌نامه دو کتاب الایام و با مادرم همراه را به صورت تطبیقی و بر اساس نظریات دو ناقد مذکور مورد بررسی قرار داده است.

در تبیین وجه تمایز تحقیق حاضر از پیشینه مذکور باید گفت این مقاله در ساختاری متمایز و در سایه نظریه‌ای بنیادین، واقع‌گرایی طه حسین در خودزندگینامه «الایام» را در دو سطح با خود، با دیگران، و چگونگی نگارش رویدادها را مورد بررسی قرار می‌دهد و ضمن اشاره به

میزان تأثیرپذیری طه حسین از شخصیت‌های ذهنی و الگویی- تاریخی، عوامل دخیل در روند نگارش الایام را تبیین می‌سازد.

۲. چارچوب نظری "ژرژ مای"

"ژرژ مای" (۱۹۳۸م.) ناقد و پژوهشگر فرانسوی است که به مطالعه زندگینامه‌های خودنوشت توجه ویژه‌ای داشته است. زندگینامه‌های خودنوشت در اصطلاح «روایتی نثرگونه است که یک شخص واقعی در فرایند یادآوری، با تمرکز بر حیات فردی خود، گذشته خویش را حکایت می‌کند» (لوجون، ۱۹۹۴: ۲۲) و بخشی از ادبیات اعترافی را تشکیل می‌دهد (داد، ۱۳۷۵: ۱۶۲).

چارچوب نظری "مای" در بخش اول کتاب مشهور وی «Autobiography» ذکر شده است. وی کشورهای ایتالیا، انگلیس، آلمان، فرانسه و ایالات متحده را خواستگاه این ژانر ادبی می‌داند که از نیمه دوم قرن ۱۷ میلادی آثاری در این زمینه نوشته شده است. (مای، ۲۰۱۷: ۳۲) او در پی تبیین چستی خودزندگینامه‌ها می‌گوید: نقطه مشترک همه زندگینامه‌نویسان این است که نگارش خاطرات، حاصل پختگی و سن جافنادگی آنان است و اغلب ایشان قبل از انتشار زندگینامه خود، شهرتی عالم‌گیر داشته‌اند و قبل از اینکه مردم به زندگی خصوصی آنها توجه کنند، ایشان خود را وارد حیات عامه آنها کرده‌اند (همان: ۵۶).

موضوع «واقع‌گرایی» در چارچوب نظریه ژرژ مای وقتی پررنگ‌تر می‌شود که او از انگیزه نویسنده برای نوشتن گذشته‌اش سوال می‌کند؛ او در پاسخ به این سوال که چرا نویسندگان خاطرات گذشته و زندگی خصوصی خود را می‌نگارند بر این باور است که: «انگیزه‌های نوشتن زندگینامه‌ها متنوع و متفاوت است و می‌توان آن را در ضمن دو تقسیم‌بندی جای داد. ۱- مقاصد عقلی و منطقی که خود به دو نوع تقسیم می‌شود: الف- توجیه‌گری ب- سندیت پیدا کردن اثر. ۲- انگیزه‌های عاطفی و احساسی که یا مرتبط به احساس نویسنده نسبت به گذر ایام است و قوام آن، لذت از یادآوری خاطرات است و یا با احساس نیاز نویسنده به کسب معنایی برای زندگی گذشته در ارتباط است و نویسنده با نوشتن زندگینامه خویش در صدد است حیات خود را بازگرداند» (همان: ۷۰).

توجیه‌گری هنگامی است که نویسنده نیازمند است با نگارش زندگینامه خود به همگان بگوید و حقانیت خویش را در قبال اعمال، رفتار و اندیشه‌های گذشته خود توجیه کند و این

نیاز وقتی شدیدتر می‌شود که گمان کند مردم به وی افترا زده‌اند (همان: ۷۱)؛ همانگونه که مقاصد عقلی گاه نویسنده را بر آن می‌دارد تا زندگینامه خود را به عنوان یک سند و گواهی به جامعه ادبی ارائه کند تا با از بین رفتن وی، این سند باقی بماند و همگان از آن آگاهی یابند (همان: ۷۳).

از دیگر موضوعاتی که مسأله «واقع‌گرایی» را در چارچوب نظریه مای دچار چالش می‌کند، چگونگی پرداختن به نگارش خاطرات گذشته است؛ صرف نظر از اینکه نویسنده با چه انگیزه‌ای به نگارش زندگینامه خود پرداخته، چگونگی یادآوری و نگارش خاطرات موضوعی است که ممکن است واقعیت رویدادهای گذشته را دچار چالش کند. موضوعاتی مثل: انتخاب زاویه دید اول شخص یا ضمیر غایب، ترتیبی که حوادث بر اساس آن ذکر می‌شوند، توانایی حافظه در فرایند یادآوری و محدودیت‌های آن، در هم آمیختن حال و گذشته در لحظه نوشتن و سبک مورد استفاده نویسنده در لحظه روایت، می‌تواند باعث تحریف حقیقت تاریخی گردد (به اختصار همان: ۱۰۵ تا ۱۳۰).

۳. بخش تحلیلی

در این بخش، با توجه به دیدگاه "ژرژ مای"، نخست انگیزه‌های طه حسین از نوشتن گذشته خویش و تأثیر آن بر تصویرگری واقع‌گرایانه کودکی خود و شخصیت‌های دیگر، مطالعه می‌شود. سپس موضوع واقع‌گرایی در چگونگی فرایند نگارش و میزان پابندی نویسنده بدان واکاوی می‌گردد.

۱-۳- انگیزه‌های طه حسین در نگارش الایام

همانطور که گذشت- گاهی انگیزه‌های عقلی و منطقی، نویسنده را بر آن می‌دارد تا برای تبرئه خود و برگرداندن حقیقت به نصاب آن، دست به نگارش زندگینامه خود بزند و گفتار دیگران درباره خود را اصلاح یا تکذیب نماید (مای، ۲۰۱۷: ۷۱). به نظر می‌رسد طه حسین -آنگونه که ناقدان عرب می‌گویند- الایام را با انگیزه‌های عقلی، در پاسخ به واکنش جامعه ادبی مصر در قبال انکار ادبیات جاهلی نگاشته است؛ تردید طه حسین درباره وجود ادبیات جاهلی در کتاب «فی الشعر الجاهلی» در سال ۱۹۲۶م، با عکس العمل شدید جامعه ادبی مصر مواجه شد؛ به

طوری که وی را تهدید و مجبور به ترک مصر کردند (ر.ک. عباس، ۱۹۹۶: ۱۳۰)؛ (شرف، ۱۹۹۲: ۶۵) وی پس از این برخورد نامناسب، ناخرسند گشته و به فرانسه مسافرت می‌کند و الایام را در مدت شش ماه تبعید و حضور خود در فرانسه می‌نویسد و همسر او سوزان، فضای حاکم بر نویسنده و نگارش این اثر را به خوبی توصیف کرده است (ر.ک. معک: ص ۲۵۷). این موضع‌گیری دشمنانه و قاطع و جلوگیری از چاپ کتاب «في الشعر الجاهلي»، احساس عمیقی از ظلم و جهل فضای ادبی مصر را در درون طه حسین بوجود آورد، احساسی که باعث شد خاطرات پراکنده خود از گذشته را بیاد آورد و ظلم و ستم و جهلی که باعث نابینا شدن وی گشت را فراخواند. (عبدالدايم، بی‌تا: ۳۸۴) طه حسین در این شرایط، خاطرات کودکی خود را نوشت و نام آن را «الایام» نهاد تا بدین وسیله تلویحاً اعترافی به وجود چنین دوره‌ای ادبی در ادبیات عربی کرده باشد؛ زیرا عرب‌ها به جنگ‌های طولانی بین قبایل در دوره جاهلی «ایام العرب» می‌گویند. گویا نویسنده با انتخاب این عنوان قصد داشته وجود ادبیات در چنین دوره‌ای را تلویحاً تأیید نماید؛ اما در باطن با نوشتن این کتاب، جاهلیت امروز جامعه مصر را از همان جنس جاهلیت پیشین می‌داند و غلبه خویش بر چنین عقب‌ماندگی فرهنگی را نشانه نبوغ فکری و عقلی خویش برمی‌شمارد.

بی‌تردید نوشتن چنین اثری با انگیزه‌های مذکور، می‌تواند «واقع‌گرایی» نویسنده را مورد تردید قرار دهد و در یادآوری روابط بین فردی خود با جامعه مصر تغییر ایجاد کند. به نظر می‌رسد سوگیری نویسنده در این اثر، نوع نگاه وی به «الصبي» و شخصیت‌های دیگر را دچار تغییر کرده و آنها را فراتر یا فروتر از واقعیت تاریخی ایشان نشان داده است. اگر روابط انسان را در هستی به سه سطح: أ- بودن با خود، ب- بودن با دیگران، ج- بودن در هستی، تقسیم می‌کنیم (می، ۱۳۸۷: ۵۰) روابط فردی و اجتماعی طه حسین و گزارش آن در متن «الایام» را می‌توان در سه سطح با خود، با دیگران و با رویدادها مطالعه کرد.

۱-۳. واقعیت‌مندی شخصیت‌های الایام

تصویر «خود» در الایام: «من» متن (نویسنده)، اولین شخصیت و قهرمان اصلی زندگینامه‌های خودنوشت است و حداقل انتظاری که در این گونه ادبی از نویسنده می‌رود، این است که تصویر خود را مطابق با واقعیت ترسیم کند؛ زیرا برخلاف زندگی‌نامه‌های دیگرنوشت - او بر

روحیات و گرایشات درونی خود، آگاه‌تر از هر کسی است؛ اما از آنجا که «او در تصویرگری «من»، هم ناظر است و هم قاضی» (الباردی، ۲۰۰۸: ۲۰)، گاه بیم آن می‌رود که در قضاوت‌گری خود از خویش، دچار خودستایی شود.

اگر به تعبیر "مای" توجیه‌گری و شهادت دادن را یکی از انگیزه‌های طه حسین در نگارش زندگینامه خود بدانیم، بی‌تردید تصویری که وی از «من» کودکش ارائه می‌کند باید کامل و بدون نقص باشد، چرا که در صدد است بدین وسیله ظلم و ستم و جهل جامعه ادبی مصر را بر علیه خویش پاسخ گوید.

نویسنده شرح حال خود را از پدیده «سیاح» (حصار) شروع می‌کند و دوست دارد همچون خرگوش‌ها از آن بگذرد،^۱ دوست دارد در تاریکی شب، آنگاه که همه به خواب می‌روند، سر بر نرده‌های آن حصار بگذارد و غرق در تفکر شود^۲ (حسین، بی‌تا: ۵)، او با اراده‌ای قوی همچون انسان‌های بزرگ «سوزش قطره‌ای را که مادر در چشم او می‌چکاند»^۳ تحمل می‌کند (همان: ۶)، بسان انسان‌های بزرگ (ابوالعلائی معری)، خوردن برخی از غذاها را بر خود تحریم می‌نماید^۴ (همان: ۲۰)، قرآن را در نه سالگی حفظ می‌کند^۵ (همان: ۲۷)، الفیه را حفظ می‌کند و تجوید قرآن را به خوبی می‌آموزد و بر هم‌نوعان و مدرّس خود برتری می‌یابد^۶ (همان: ۱۱۲)، درس‌های الأزه‌ر را ناچیز می‌شمارد و نگاه او به مردم، نگاهی همراه با تأمل فلسفی است (همان: ۱۴۱)، به تعبیر راوی، علم و دانش را می‌بلعد^۷ (همان: ۱۴۹) و پیش از آن نیز به جنبه‌های گوناگون فرهنگ مردمی مثل اخبار و اشعار هلالیین و زناتیین، آوازهای زنانه (تعدید)، وردها و دعاها و سرودهای صوفیه، آگاهی می‌یابد^۸ (همان: ۲۷)، تنها نقطه ضعف او نابینایی و فقر است که به تعبیر شکری مبخوت آن نیز زاده - نه سستی و کم‌کاری او - بلکه طبیعت و جامعه است (المبخوت، ۲۰۱۷: ۱۷۷).

این تصویری است که طه حسین از کودکی خود در کتاب الایام ترسیم می‌کند، کتابی که قرار است - همانطور که گذشت - پاسخی محکم به مخالفان او یعنی جامعه ادبی مصر باشد. تصویری همراه با خودستایی و تمجید از خود، که ضعف و محدودیت‌های نابینایی وی را می‌پوشاند. طه حسین هرگز به این محدودیت‌های کودک اشاره نمی‌کند، این در حالی است که گفته می‌شود نابینایی، باعث گُندشدن حرکت نابینا را شده و توانایی حرکت مستقل را که برای شروع هر رابطه‌ای، عاملی بنیادین است، از او می‌گیرد. افراد نابینا باید با عوامل لوجستیکی

بسیاری مقابله کنند تا سرانجام بتوانند یک قرار ملاقات با یک نفر بگذارند (اصغری، ۱۳۹۳: ۶۱)؛ و اگر نتوانند سختی این ارتباط برقرار کردن را بر خود هموار سازند، به انزوا و تنهایی آنها ختم می‌شود (وونگ و همکاران، ۲۰۰۹: ۵۱۰؛ بولات و همکاران، ۲۰۱۱: ۶).

با این تفصیل به صراحت می‌بینیم که طه حسین، در ارائه تصویر شخصیت کودکی خود، این جنبه از زندگی خود -محدودیت حرکتی- را وانهاده است تا ارائه شخصیت الگویی او از کودکی‌اش، بی‌نقص باشد. به نظر می‌رسد نویسنده در توصیف کودکی خویش، از پختگی هنگام نوشتن سخت متأثر بوده است و از شخصیت‌های الگویی همچون ابن خلدون و ابوالعلائی معری - که به تناوب از ایشان در «الایام» نام برده - تأثیر پذیرفته است. این چنین به نظر می‌آید که طه حسین هنگامی که آن شخصیت کودک با صلابت و اراده قوی را در الایام، به تصویر می‌کشد و از سختی‌های وی در برابر نابینایی سخن می‌گوید، شخصیت ابوالعلائی معری و توصیف وی از دوران کودکی‌اش را در ذهن فرا می‌خواند؛ یا وقتی از اعتماد به نفس، علم‌آموزی و جدیت کودک در برابر مشکلات سخن می‌گوید، گزارش ابن خلدون از کودکی خود را در کتاب «العبر» به یاد می‌آورد.

آنچه گمان خواننده را در این باب تقویت می‌کند، این است که او زندگینامه ابن خلدون را خوانده و در این باره می‌گوید: «او زندگینامه خود را تنها برای این نوشت تا از خود سخن بگوید و خویشتن را ستایش کند... وی اولین نویسنده عرب است که درباره زندگی خود یک کتاب تاریخی برجای گذاشته است و سفرنامه او بیان حوادثی است که حفره‌های خالی زندگی او را پر کرده است...» (حسین، ۱۹۷۵: ۲۷).

گمان غالب بر این است که هر دو نویسنده (یعنی طه و ابن خلدون) تصویری را که از کودکی خود نشان می‌دهند تقریباً مشابه است و تکیه هر دو بر ستایش خویش در علم‌آموزی و اشتیاق به معرفت و شناخت است؛ ابن خلدون همچون طه حسین -البته با اسلوبی متفاوت- درباره کودکی خود می‌گوید: «من از روزگار خردی دلبسته تحصیل علم بودم و به فراگرفتن فضائل، سخت آزمند، گاه به حلقه درس این مدرس و گاه در محضر آن مدرس... (ابن خلدون، ۱۳۸۸: ج ۶، ۵۲۶) ... بعد از فراگیری خواندن، قرآن را حفظ کردم، کتاب «التقصی لأحادیث الموطأ» را خواندم، گذشته از این‌ها، کتب بسیاری چون «التسهیل» ابن مالک و غیره را در فقه نزد استادم آموختم... اشعار زیادی همچون اشعار سته، حماسه أعلم شتتمری و مقادیر زیادی از

اشعار اغانی را از بر کردم». (همان: ۵۰۷) در مقایسه این بخش از سیره ابن خلدون با آنچه از گزارش طه حسین درباره کودکی خود در الایام دیدیم، به تأثیرپذیری وی از ابن خلدون پی می‌بریم؛ با این تفاوت که ابن خلدون در ارائه تصویر کودکی خود از ضمیر متکلم استفاده نموده و نقل تاریخی می‌کند ولی طه حسین برای اجتناب از اتهام به خودستایی و تمجید ذات از ضمیر غایب استفاده می‌کند.

برآیند کلی آن است که طه حسین در ارائه تصویر کودکی خود از انگیزه‌های شخصی متأثر بوده و برای ارائه تصویری کامل و بی‌نقص از کودک، دانش خویش از ابن خلدون را فرا می‌خواند و در شباهت این دو مرد در زندگی، همین بس که بگوییم، «ابن خلدون [و طه حسین] را مطابق اصطلاح جامعه‌شناسی جدید می‌توان «مرد حاشیه‌ای» (marginal man) نامید، کسی که بین دو فرهنگ متفاوت واقع شده است و ذهن او مانند کوره‌ای آتش، دو فرهنگ را در خود ذوب کرده است... در دوره‌ای از زندگیِ مرد حاشیه‌ای، تناقض اجتماعی و فرهنگی بین او و سایرین آشکار می‌شود و در وی بحرانی بوجود می‌آورد، او پیوسته می‌کوشد که راهی برای از بین بردن این تناقض [چالش بین خود و جامعه] پیدا کند، این شخص خلاق اگر مردم با او همراه شوند، می‌تواند به اصلاح عقل انسانها یا اصلاح جامعه بپردازد» (بینش، ۱۳۹۳: ۷۷). الایام تصویرگری این تناقض اجتماعی و فرهنگی طه حسین با جامعه سنتی و ادبی مصر است، تناقضی که در ارائه تصویری که از شخصیت آنها ترسیم می‌کند مؤثر بوده است. ما در ادامه به تأثیرپذیری طه حسین از این تناقض در تصویرگری شخصیت‌های دیگر الایام می‌پردازیم.

تصویر «دیگری» در الایام: اما واقعیت‌مندی تصویری که طه حسین از دیگران در الایام ارائه می‌کند، منوط به کیفیت ارتباط وی با ایشان است. «شخصیت‌هایی که نویسنده در الایام از آنها نام می‌برد به دو دسته تقسیم می‌شوند: شخصیت‌های فردی همچون پدر، مادر، برادر، صبی، سیدنا، فتی و ... و شخصیت‌های جمعی مثل شیوخ طریق، علمای الأزهر، علمای قریه و ... که هر کدام نماینده یک طبقه اجتماعی از جامعه مصر هستند» (عامر، ۲۰۰۱: ۷۵). غالب این شخصیت‌ها - جز معدودی همچون: الحاج فیروز، الحاج علی، نفیسه، الشیخ المرفعی، محمد عبده- بقیه همه بدون نام هستند؛ و این عدم صراحت در ذکر اسم اشخاص و حتی امکان، از ارزش تاریخی الایام کاسته است (عباس، ۱۹۹۶: ۱۳۳).

تصویرگری طه حسین از «دیگری» از همان فصل نخست بر مبنای تعارض و تناقض شکل می‌گیرد، در فصل نخست، کودک در عالم واقع با شخصیت‌هایی روبروست که وی را می‌آزارند؛ خواهرش او را همچون پر کاهی به سوی خانه می‌کشد، مادر قطره سوزناکی را در چشم او می‌ریزد^۹، (حسین، بی‌تا: ۶). در عالم خیال، عفاریت و اشباح و صداها ترسناک او را می‌آزارند^{۱۰} (همان: ۷) «سخت از عمویش در رنج است»^{۱۱} (همان: ۲۳) «پدربزرگش نسبت به وی بغض داشت و از او بدش می‌آمد»^{۱۲} (همان: ۲۶) از خنده و تمسخر برادرانش ناراحت و سخت آزرده می‌شود^{۱۳}، (همان: ۱۹) «سیدنا» مبعوض او است^{۱۴} (همان: ۴۹)، شیوخ طریق، علمای قریه و علمای أزهَر در نگاه او شخصیت‌های ناچیزی هستند^{۱۵} (همان: ۸۸) نگاه او به فقهای دین نگاهی همراه با تمسخر است به طوری که ایشان را «حاملان وحی» توصیف می‌کند^{۱۶} (همان: ۸۶).

طه حسین با غالب این شخصیت‌ها چالش واقعی دارد و به نظر می‌رسد چالش وی با این افراد از جنس چالش و تضاد بین دانایی و نادانی است. وی از همان صفحات نخستین کتاب، بین علم و آگاهی و جهل و نادانی، مرزبندی می‌کند و این مرز همان «سیاح» است؛ به تعبیر شکری المبخوت، «سیاح (حصار) در ذهن طه حسین، رمز بین عالم واقع [آنچه هست] و دنیای مطلوب [آنچه که باید باشد] است، عالم واقعی که تلخ و رنج‌آور است و پیوسته از آن اکراه دارد و عالم مطلوب و دلخواهی که [معرفت و آگاهی از ویژگی‌های بارز آن است]» (المبخوت، ۲۰۱۷: ۹۷). بر این اساس می‌توان شخصیت‌های الایام را -چه فردی و چه جمعی- در یکی از این دو عالم ترسیم شده در ذهن نویسنده جای داد و آنگونه که بررسی‌ها نشان می‌دهد -جز شخصیت‌های معدودی همچون محمد عبده، شیخ مرصفی و مهندس الزراعۀ، غالب شخصیت‌ها در دنیای نامطلوب نویسنده زندگی می‌کنند، از این رو تصویری که طه حسین از هر یک از آنها ارائه می‌کند، تصویری قرین به جهل و نادانی است.

برآیند کلی در این بخش اینکه انگیزه طه حسین از نگارش الایام به تعبیر "ژرژ مای" ارائه سندی جامع از کمال نویسنده و توجیه نظر خود در باب قضیه انتحال است؛ این انگیزه باعث شده است نوع نگاه طه حسین به کودک و شخصیت‌های دیگر متفاوت با حقیقت تاریخی آنان باشد. تصویرگری وی از کودکی همراه با تمجید و خودستایی است و تصویری که از دیگران ارائه کرده، غالباً بر همان محور-تقابل معرفت و جهل- می‌چرخد. نویسنده در توصیف

شخصیت‌ها گاه، از دخیل کردن حب و بغض‌های شخصی نسبت به افراد، خصوصاً آنها که نماینده طبقه با سواد جامعه مصرند، در امان نبوده است.

۲-۳. کیفیت نگارش الایام

پدیده دیگری که واقع گرایی را در «الایام» دچار چالش می‌کند چگونگی نگارش آن و کیفیت گزارش طه حسین از رویدادهاست؛ "ژرژمای" نخستین موضوعی را که در چگونگی نگارش خودزندگینامه‌ها مطرح می‌کند، استفاده از زاویه دید اول شخص یا سوم شخص (ضمیر غایب) است؛ به عقیده وی وقتی که نویسنده از ضمیر سوم شخص استفاده می‌کند بین «منِ روایت کننده» و «منِ روایت شده» فاصله ایجاد می‌کند و ترجیحاً نویسنده به این شیوه پناه می‌برد زیرا با این شیوه می‌تواند «ضمیر او» را بدنام [یا تمجید] کند در حالی که خود از او جداست (مای، ۲۰۱۷: ۱۰۵). در مورد الایام که نویسنده با انگیزه‌های عقلی کودک را والاتر از آنچه بوده به تصویر می‌کشد، می‌توان گفت که استفاده از ضمیر غایب وی را از قرار گرفتن در معرض اتهام به خودستایی و تمجید برکنار داشته است. طه با توسل به این شیوه روایت، به آسودگی می‌تواند درباره کودک سخن بگوید و از وی تمجید کند چرا که بین خود و کودک با ضمیر «او» فاصله انداخته است. به نمونه‌هایی از این خودستایی در بخش قبل اشاره شد.

موضوع دیگری که مای در کیفیت نگارش خودزندگینامه‌ها مطرح می‌کند، شیوه ترتیب رخدادهای زندگینامه است. وی معتقد است ترتیبی که زندگینامه‌نویسان به گذشته خود می‌دهند متعدد است، یکی از این گونه‌ها ترتیب زمانی است؛ ترتیب زمانی باعث تحریف واقعیت تاریخی می‌گردد به این دلیل که اگر روایت زندگینامه‌ای سخت به واقعیت منوط باشد، باید مقطع به مقطع بیان شود بنابراین در بین مقاطع مختلف فواصلی ایجاد می‌شود که در اغلب اوقات مسکوت گذاشته می‌شود (مای، ۲۰۱۷: ۱۱۷).

نوعی دیگر از ترتیب هست که می‌توان آن را ترتیب منطقی یا تعلیمی نامید؛ روشی که به تعبیر "مای" بهترین روش برای کمک به پنهان‌کاری نویسنده در بیان حوادث است. در این روش حوادث حیات طوری هدفمندانه مرتب می‌شود که نویسنده بتواند از آن قوانینی استخراج و به آنها استناد کند و در اختیار دیگران قرار دهد (همان: ۱۱۳).

به نظر می‌رسد طه حسین روش اخیر را در نگارش الأیام پیش گرفته است؛ زیرا وی هدفمند چند فصل از کتاب خود را به فضای آموزشی مکتب‌خانه اختصاص داده، از اکراه خود در حفظ قرآن و الفیه سخن می‌گوید و با اتکا به نظریات ابن خلدون در باب تعلیم و تربیت (ر.ک. فلسفه ابن خلدون الاجتماعیه)، کهنگی و ناکارآمدی نظام آموزشی مصر را نشان می‌دهد و همزمان توانایی خود را در مواجهه با این مشکلات بیان کند. او ضمن حذف بسیاری از رویدادهایی که در جهت تأمین هدف وی نبوده، با چینش منطقی و هدفمند حوادث در صدد است قانون زندگی و زیستن درست را در محیط سرشار از جهل و نادانی جامعه مصر برای دیگران -خصوصاً دختر خود- استخراج کند زیرا تکیه وی در سرتاسر الأیام بر آموزش و «من برتر» در برابر مشکلات و محدودیت‌ها است؛ در پایان «الأیام» می‌بینیم که او خطاب به دختر خود این‌گونه می‌گوید و نتیجه‌گیری می‌کند: «تو دخترم! الان نه ساله‌ای و در سن و سالی هستی که بچه‌ها به پدر و مادر خود می‌بالند و آن‌ها را الگوی خود قرار می‌دهند... این‌گونه نیست؟ آیا فکر نمی‌کنی که پدرت بهترین و برترین پدران است؟ آیا باور نداری که او بهترین و نجیب‌ترین بچه‌ها بوده است؟ آیا دوست نداری که الان طوری زندگی کنی که پدرت در هشت سالگی‌اش می‌زیست»^{۱۷} (حسین، بی‌تا: ۱۴۵).

بی‌شک اگر بناست تنها رویدادهایی ذکر گردد که نوع زیستن پدر را برای دختر محبوب کند باید بسیاری از موضوعاتی که همسو با این هدف نیست، مسکوت و ناگفته رها شده باشد. همانطور که طه حسین خود به در ادامه به دخترش به این موضوع اشاره می‌کند و می‌گوید: «اگر از روزگار او برایت می‌گفتم، خیلی از حسن ظن‌های تو را باید مردود می‌شمردم و آرزوهایت را دور از دسترس می‌دانستم... اما چیزی از آن روزگار پدرت برایت هرگز نمی‌گویم... و می‌ترسم که اگر از آنچه درباره پدرت می‌دانم بگویم، دلت بسوزد و غصه بخوری و گریه کنی»^{۱۸} (همان: ۱۴۶).

موضوع سومی که "زرز مای" در کیفیت پرداختن به نگارش زندگینامه‌ها مطرح می‌کند حافظه و محدودیت‌های آن است؛ او معتقد است دو نوع فراموشی در هنگام نگارش زندگینامه‌های خودنوشت اتفاق می‌افتد: فراموشی عمدی و فراموشی سهوی. در فراموشی عمدی برخی مسائل به دلیل قبح آنها و حفظ حیاء یا دلایل زیباشناختی سانسور می‌گردد و در چنین موردی واقعیت ذهنی متفاوت از واقعیت تاریخی بیان می‌گردد (مای، ۲۰۱۷: ۱۲۱).

تکرار متناوب فعل «یذکر» در صفحات نخست «الایام» (صفحات: ۳، ۴، ۵، ۱۵، ۱۶ و...) ترفندی است که طه حسین استفاده نموده تا از قرار گرفتن در معرض اتهام به فراموشی رهایی یابد، همچنانکه در یادآوری گذشته، گاه فعل فراموشی را به کودک نسبت داده و خود را تنها روایت گر ایام توصیف می کند: «أنا فلا أستطيع إلا أن أحدثك بما يذکر الصبي» (حسین، ۲۰۱۷: ۱۰۹). فراموشی عمدی نیز که گاه حاصل مسائل زیباشناختی و گاه قبح امور است در این اثر قابل مشاهده است؛ همانطور که در بخش قبل گذشت- به فراموشی سپردن مشکلات حرکتی نابینایان در الایام نمونه ای از این فراموشی عمدی است. یا به عنوان مثال در جایی دیگر وقتی راوی از بازی کودک «متن» با دخترک ۱۶ ساله که همسر بازرس ۴۰ ساله شده است، سخن می گوید گویا فراموشی عمدی به وی دست می دهد و حجب و حیا مانع از ذکر برخی ناگفته ها می گردد: «کودک مقداری زودتر به خانه مهندس ناظر می رفت تا شاید ساعتی یا دقایقی را بتواند با آن دختر صحبت کند، دختر نیز منتظر او می ماند، تا همین که آمد او را به اتاقش ببرد، او را به اتاقش می برد، می نشست و او را کنارش می نشاند و با هم صحبت می کردند. طولی نمی کشید که سخن گفتن آن دو به بازی های بچگانه تبدیل می شد، نه کمتر و نه بیشتر»^{۱۹} (حسین، بی تا: ۱۱۷). در این مقطع بیان نوع بازی کودک و دختر گویا به فراموشی سپرده می شود و همین که خواننده می خواهد گمان دیگری در این باره ببرد، راوی وارد شده و با ذکر جمله «لا أكثر و لا أقل» ذهن خواننده را از سوء ظن نسبت به کودک باز می دارد؛ به همین ترتیب است سکوت وی درباره سوال زنان از مسائل شخصی خود از شیوخ محله؛ راوی با یادآوری کودک در این باره می گوید: «و زنان با آنها سخن می گفتند و از آنها درباره روزه و نماز و دیگر چیزها سوال شرعی می پرسیدند»^{۲۰} (همان: ۸۶). تعبیر «و دیگر امور» نشان از این دارد که مسائلی هست که به هر دلیلی راوی نمی خواهد آن را بازگو کند چرا که با اهدافی که در این اثر دنبال می کند همسو نیست.

یکی دیگر از مسائلی که "ژرژمای" در کیفیت نگارش خودزندگینامه ها مطرح می کند درهم آمیختن زمان گذشته و حاضر است؛ وی می گوید: «چاره ای نیست، وقتی نویسنده می خواهد خاطرات محفوظ خود را تدوین کند باید بین گذشته و لحظه نوشتن، نزدیکی و رویارویی ایجاد کند و از این امر، درهم آمیزی ساختگی و مشوش پدید می آید» (مای، ۲۰۱۷: ۱۲۳). به نظر می رسد طه حسین نیز در قسمت های مختلف زندگینامه خود، از این امر مصون

نمانده است، گزارش برخی رویدادها حاکی از این است که او پختگی فکری و دانش لحظه نوشتن را در ذکر حوادث دخیل کرده است؛ روایت او از حادثه‌ای که برای وی در سر سفره غذا و تحریم برخی غذاها رخ داد به گونه‌ای است که نشان می‌دهد او متأثر از تجربیات عمیق و آگاهانه خود در لحظه نوشتن بوده است: «این حادثه به او کمک کرد تا به خوبی آنچه راویان درباره ابوالعلائی معری می‌گفتند، را بفهمد»^{۲۱} (حسین، بی‌تا: ۲۰). بی‌تردید این تجربه ادبی طه از ابوالعلائی معری نه از دوره کودکی بلکه مربوط به دوره پختگی فکری و دانش وی در لحظه نوشتن است (ر. ک. عبدالدایم، بی‌تا: ۳۹۴-۳۹۳).

شاهد دیگر از درآمیختن گذشته و حال آنجاست که طه در متن، عمیقاً به بیان تفاوت ساحر و صوفی، از زبان کودک می‌پردازد، اما به ناگاه متوجه می‌شود، تجربه ادبی خود را در لحظه نوشتن دخیل کرده و از سطح دانش «صبی» فراتر رفته است؛ از این رو بر می‌گردد و با زیرکی از زبان راوی منبع اطلاعات را مشخص کرده و آن را به راوی -نه دانش کودک- منتسب می‌کند و می‌گوید: «اما باید ابن خلدون و امثال وی را مطالعه کنیم تا به این تفاوت پی ببریم»^{۲۲} (حسین، بی‌تا: ۹۸). و شاهد مثال‌های بسیاری که همه نشان از این دارد که طه حسین از تجربه ادبی خود در لحظه نوشتن بهره جسته است.

آخرین موضوعی که "مای" در چگونگی نگارش زندگینامه‌ها مورد واکاوی قرار می‌دهد شیوه و طرز بیان روایت است که گاهی باعث نقص و تحریف در واقعیت‌ها می‌گردد، موضوعی که نمی‌توان به سادگی آن را آگاهانه یا ناخودآگاه دانست. گاهی نویسنده لحظات ترس، غضب، تلخی گذشته را طوری روایت می‌کند که اکنون موجب خنده و واکنش متفاوت خواننده می‌شود. به تعبیر "مای" این‌ها لحظاتی است که نویسندگان به صورت فطری دوست ندارند بواسطه یادآوری دوباره آن را زندگی کنند و با به کارگیری بیان همراه با تمسخر، آن را از خود جدا می‌کنند. به نظر وی این امر از دو جهت راستی و صداقت در زندگینامه را مختل می‌کند: الف: تحریف واقعیت تاریخی با پنهان کردن واکنش گذشته؛ ب- انداختن پرده گمراهی حاضر بر رویدادی قدیمی، این پناه بردن به تمسخر نشان از این است که نویسنده دو چیز را بر دو چیز دیگر ترجیح داده است، حاضر را بر گذشته و عقل را بر عاطفه (مای، ۲۰۱۷: ۱۲۶-۱۲۷). بکارگیری لحن تمسخرآمیز و دخیل کردن احساس خود در لحظه نوشتن در قبال شیوخ طریق، فقهای دین در فرایند حفظ الفیه ابن مالک (حسین، بی‌تا: ۷۱ و ۸۶)، گزارش طنزآمیز

از چگونگی حفظ قرآن و همدستی با «عریف» (مبصر) و نفیسه در انجام تکالیف (همان: ۵۰)، گزارش متفاوت از طرز اقدام به خودکشی خود (همان: ۵۹) و... از جمله مواردی است که طه حسین احساس و انفعال خود را در لحظه رویداد متفاوت از لحظه نوشتن به تصویر می‌کشد و به دلیل ضیق مجال از ذکر مبسوط آن در اینجا خودداری می‌کنیم.

پایان سخن در این بخش اینکه طه حسین در سطح ارتباط با حوادث و پرداخت آن با استفاده از ترفندهایی مثل، استفاده از زاویه دید سوم شخص، استفاده از ترتیب منطقی و آموزشی برای گزارش حوادث، در آمیختن زمان گذشته و حال، استفاده از لهجه تمسخر و گاه طنز در بیان رویدادها، از واقعیت‌های تاریخی تبعیت ننموده است.

نتیجه‌گیری:

با توجه به آنچه گذشت و بر اساس چارچوب نظری "ژرژمای" دو پدیده، موضوع واقع‌گرایی را در زندگینامه‌های خودنوشت دچار تردید می‌کنند؛ انگیزه‌های نویسنده و چگونگی پرداختن به نگارش زندگینامه‌ها؛ در این چارچوب متوجه شدیم که طه حسین متأثر از انگیزه‌های شخصی تصویری که از خود و دیگران ارائه می‌دهد گاه غیر مطابق با واقعیت است. در همین راستا او به هنگام نوشتن سرگذشت‌نامه خود از تکنیک‌هایی همچون: استفاده از ضمیر سوم شخص، نظم دادن به حوادث بر اساس یک منطق و شیوه آموزشی، دخیل کردن پختگی فکری و... استفاده کرده و باعث تحریف واقعیت تاریخی شده است. در بخش نخست این جستار دریافتیم که توصیف طه حسین از شخصیت صبی (کودک) در کتاب الایام، تصویری واقعی از «منِ متن» نیست و آشنایی با شخصیت‌های تاریخی همچون ابوالعلائی معری و ابن خلدون، وی را در توصیف کودک و الگوگیری از این دو، تحت تأثیر قرار داده است. همانطور که توصیف وی از غالب شخصیت‌های الایام همراه با نوعی نقد گزنده است؛ به طوری که واقعیت‌مندی و واقع‌گرایی را در ترسیم شخصیت‌ها دچار تردید کرده است.

در تعیین ارزش ادبی «الایام» باید به نکته‌ای اشاره کنیم که "جان استاروبینسکی" نیز درباره روسو گفته است؛ بی‌تردید وقتی طه حسین داستان زندگی‌اش را برای ما روایت می‌کند، می‌خواهد تصویری برای روح خود ترسیم کند و آنچه که تلاش وی را متمرکز می‌کند واقعیت‌های تاریخی نیست، بلکه انفعال نفس است که گذشته را و می‌نهد تا در درون آن بجوشد. به

تعبیر دیگر می‌توان گفت هرچند نویسنده ممکن است تصویری ساختگی و غیر منطبق با واقعیت تاریخی یا به تعبیری آنگونه آن را که دوست دارد ارائه کند، اما احساس او هنگامی که در برابر گذشته خویش می‌ایستد کاذب نیست. کارکرد ادبی و هنری «الایام» مهمتر از کارکرد تاریخی و منطقی آن است. طه حسین به گذشته می‌نگرد تا آینده را برای نسل جوان بسازد و آنها را به قله‌های کمال رهنمون گردد.

پی‌نوشت

- ۱- «یذكر أنه كان يحسد الأرناب التي كانت... تتخطى السياج...».
- ۲- «ثم يذكر أنه كان يحب الخروج من الدار إذا غربت الشمس... فيعتمد على قصب هذا السياج، مفكراً مغرقاً في التفكير».
- ۳- «وهو يلم ولكنه لا يشكو ولا يبكي لأنه كان يكره أن يكون كأخته الصغيرة بكاءً شكاءً».
- ۴- «من ذلك الوقت حرم على نفسه ألواناً من الطعام...».
- ۵- «لم يتجاوز التاسعة حتى حفظ القرآن...».
- ۶- «[عني] الصبي يحفظ الألفية وغيرها من المتون و... يتعالى على أترابه وعلى سيده».
- ۷- «تراه في حلقة الدرس مُصغياً... يلتهم كلامه التهاماً».
- ۸- «لم يبلغ التاسعة من عمره حتى كان قد وعى من الأغاني والتعديد والقصص وشعر الهالبيين والزناتيين والأوراد والأدعية والأناشيد الصوفية...».
- ۹- «يأبى [دخول البيت] فتخرج [أخته] فتشده وتحمله بين ذراعيها كأنه الثمالة... ثم تقطر [أمه] في عينيه المظلمتين سائلاً يؤذيه...».
- ۱۰- «كان يخاف أشد الخوف أشخاصاً يتمثلها قد وقفت على باب الحجرة... وليس له حصن من كل هذه الأشباح المخوفة والعفاريت...».
- ۱۱- «كان له عم يغظه... وكان ذلك سبباً في أن كره عمه كرهاً شديداً».
- ۱۲- «كان جدّه ثقیل الظّل، بغیضاً إليه».
- ۱۳- «وأما إخوته [لفعله ذلك] أغرقوا في الضحك... وأما هو فلم يعرف كيف قضى ليله».
- ۱۴- «كان يكره سيدنا لأنه أثر غشاش كذاب».
- ۱۵- «شیوخ الطريق وما شیوخ الطريق! كانوا كثيرين منبثين في أقطار الأرض...».
- ۱۶- «هؤلاء العلماء... لم يكونوا أقل من هؤلاء العلماء الرسميين تأثيراً في دهاء الناس وتسلطاً على عقولهم... ثم منهم الفقهاء الذين يميزون أنفسهم من العلماء ويتسمون «حملة كتاب الله»».

۱۷- «إنيك يا ابنتي في التاسعة من عمرك، في هذا السن التي يُعجب فيها الأطفال بآبائهم و أمهاتهم ويتخذونهم مثلاً عليا في الحياة، [...] أليس الأمر كما أقول؟ ألسنت ترين أباك خير الرجال وأكرمهم؟ ألسنت ترين أنه قد كان كذلك خير الأطفال وأنبلهم؟ [...] ألسنت تحبين أن تعيشي الآن كما كان تعيش أبوك حين كان في الثامنة من عمره».

۱۸- «ولو إني حدثتك بما كان عليه لكذب كثير من ظنك و لحيث كثير من أملك [...] ولكني لن أحدثك بشيء مما كان عليه أبوك في ذلك الطور الآن [...] وإني لأخشى لو حدثتك بما عرفت من أمر أبيك حينئذ أن يملكك الإشفاق وتأخذك الرأفة فتحبشي بالبكاء».

۱۹- «وأخذ الصبي يذهب إلى دار المفتش قبل الميعاد ليظفر بساعة أو بعض ساعة يتحدث إلى هذه الفتاة وأخذت الفتاة تنتظره، حتى إذا أقبل أخذته إلى غرفتها، فجلست وأجلسته وتحدثا. وما هي إلا أن استحال الحديث إلى لعب كلعب الصبيان لأكثر ولأقل».

۲۰- «...وكان النساء يتحدثن إليهم ويستفتينهم في أمور الصوم والصلاة وما إلى ذلك من الأمور».

۲۱- «هذه الحادثة أعانته على أن يفهم حقاً ما يتحدث به الرواة عن أبي العلاء...».

۲۲- «...ولكن يجب أن نقرأ ابن خلدون و أمثاله لنصل إلى تحقيق مثل هذا الفرق».

منابع

منابع عربی:

۱. الباردي، محمد، (۲۰۰۸)، عندما تتكلم الذات السيرة الذاتية في الأدب العربي الحديث، دمشق، منشورات اتحاد الكتاب العرب.
۲. حسين، سوزان طه (۲۰۱۵)، معك، ترجمة بدرالدين عردوكي، القاهرة، مؤسسة الهداوي للتعليم و الثقافة.
۳. حسين، طه، (لا تا)، الأيام، قاهرة، دار المعارف.
۴. ----، ----، (۱۹۷۵)، فلسفة ابن خلدون الإجتماعية، المجموعة الكاملة، الطبعة الثانية، بيروت، دار الكتاب اللبناني.
۵. شرف، عبدالعزيز، (۱۹۹۲)، أدب السيرة الذاتية، مصر، الجيزة، الشركة المصرية العالمية للنشر - لونجمان.
۶. عامر، عطية (۲۰۰۱)، مع طه حسين في أيامه، تونس، سوسة، دار المعارف للطباعة و النشر.
۷. عباس، إحسان، (۱۹۹۶)، فن السيرة، عمان و بيروت، دار الشروق و دار الصادر.
۸. عبدالدايم، يحيى ابراهيم، (لا تا)، الترجمة الذاتية في الأدب العربي الحديث، بيروت، دار إحياء التراث الأدبي.
۹. لوجون، فيليب، (۱۹۹۴)، السيرة الذاتية، الميثاق والتاريخ الأدبي، تعريب: عمر حلي، الطبعة الأولى، بيروت، المركز الثقافي العربي.
۱۰. ماي، جرج، (۲۰۱۷م)، السيرة الذاتية، تعريب: محمد القاضي وعبدالله صوله، القاهرة، رؤية للنشر والتوزيع.
۱۱. المبخوت، شكري، (۲۰۱۷)، سيرة الغائب سيرة الآتي، السيرة الذاتية في الأيام لطله حسين، القاهرة، الرؤية للنشر و التوزيع.

۱۲. محمد، شعبان عبدالحکیم، (۲۰۰۸)، *السيرة الذاتية في الأدب العربي الحديث رؤية نقدية*، دسوق، دار العلم و الإيمان.

۱۳.

منابع فارسی:

۱۴. ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۳۸۸)، *العبر تاریخ ابن خلدون*، مترجم: عبدالحمید آیتی، چاپ سوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۵. اصغری، مریم، (۱۳۹۳)، *روانشناسی و آموزش افراد نابینا*، تهران، آوای نور.

۱۶. بینش، مسعود، (۱۳۹۳)، *منطق ابن خلدون جستاری در اندیشه واقع گرایی ابن خلدون از نگاه علی الوردی*، تهران، پژوهاک.

۱۷. داد، سیما، (۱۳۷۵)، *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، چاپ دوم، تهران، مروارید.

۱۸. طالبی برآبادی، محمدکاظم، (۱۳۹۴)، «بررسی مولفه‌های ژانر خودزندگینامه در الیام طه حسین و با مادرم همراه سیمین بهبهانی بر اساس نظریات پاسکال و گاسدرف»، راهنمایی سمیرا بامشکی، دانشگاه فردوسی مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد.

۱۹. می، رولو، (۱۳۸۷)، *انسان در جستجوی خویش*، مترجم: سیدمهدی ثریا، تهران، دائره.

۲۰.

منابع لاتین:

1. Bolat, N., Dogangun, B. Yavuz, M. Demir, T. & Kayaalp, L. (2011). Depression and anxiety levels and self-concept characteristics of adolescents with congenital complete visual impairment. *Turkish Journal of Psychiatry*, 1: 1-6.
2. Wong, H. B. Machin, D. Tan, S. B. et al. (2009) Visual impairment and its impact on health-related quality of life in adolescents. *Am J Ophthalmol*, 147:505-511.

دراسة مبدأ الصدق والمرجعية الواقعية في السيرة الذاتية على ضوء نظرية

"جورج ماي" (الأيام نموذجاً)

نوع المقالة: أصيلة

مصطفی مهدوی آرا**

أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة حكيم سبزواري

الملخص

«الأيام» هو سيرة ذاتية للأديب المصري المعاصر، طه حسين الذي استعاد فيه ذكرياته عن فترة الطفولة و المراهقة. إن مبدأ الصدق و إلتزام الكاتب لسرد المرجعية الواقعية في سيرته الذاتية، هي من أولى التحديات التي أدخلت مفهوم هذا الجنس الأدبي في ضباب من الغموض و الإبهام. فقد سعى «جورج ماي» الباحث الفرنسي المعاصر أن يحدد إطاراً موضوعياً لهذا الجنس الأدبي في كتابه «السيرة الذاتية» وقد أشار إلى دوافع الكاتب الذاتية لكتابة سيرته الذاتية وكيفية تقريره للوقائع المعيشة. ويبدو أن تبين دور هذين العنصرين ليساعدنا في مدى إلتزام الكاتب بالمرجعية التاريخية للوقائع وتصويره للشخصيات الحقيقية. وقد جاءت هذه الدراسة على ضوء المنهج الوصفي – التحليلي متخذةً الإطار النظري لجورج ماي لتناول مدى إلتزام طه حسين بالمرجعية الحقيقية لتصويره البطل الصبي و الشخصيات الروائية الأخرى وكيفية تقريره للحوادث التي جرت عليه منذ بداية حياته. وتدلنا نتائج البحث من جراء دلالات جورج ماي السيرة الذاتية إلى: إن ما استعرضه طه حسين لصورة الصبي وملاحمته النفسية، ليس منطبقاً لما شهدته التاريخ انطباقاً كاملاً بل صوره متأثراً بالدوافع الذاتية مستلهماً الشخصيات المثالية كأبي العلاء المعري و ابن خلدون، كما أن الصور التي قدمها الكاتب من الآخرين، هي خاضعة لرؤية طه حسين السلبية للمجتمع المصري. وما نشاهده من تقريره للأحداث، ليس ضمن مبدأ الصدق والمرجعية التاريخية.

الكلمات الرئيسية: السيرة الذاتية، الأيام، طه حسين، المرجعية الواقعية، جورج ماي.

Examining the Subject of “objectivity” in Autobiography of "Al-Ayyam" Based on "Georges May" Theory Article Type: Research

Mostafa Mahdavi Ara*

Assistant Professor of Arabic Language & Literature Department
University of Hakim Sabzevari

Abstract

"Al-Ayyam" is the autobiography of Taha Hussein, the contemporary Egyptian scholar, in which he has narrated his childhood and adolescence. Realism, or in other words, the objective and real account of events, is among the most important and difficult topics in writing autobiographies. The French critic George May has attempted to define the nature, dimensions and boundaries of this type of literature in his book "Writing Autobiography" and to explore issues such as the author's motivation for writing a biography and the writing process. Explaining these two subjects in autobiographies can largely determine the author's level of realism in recording historical facts. Based on the framework set by George May for autobiographies, this paper seeks to describe the realities of "Al-Ayyam" in a descriptive-analytical manner, including descriptions presented by Taha Hussein of his and others' childhood, examining the events that occurred and explaining the author's commitment to stating the facts. The results of this research show that Taha Hussein's account of characters and historical events of "Al-Ayyam" has been influenced by his incentive and the way he deals with memories of the past. At the same time, the literary value of this famous work is not due to the reflection of historical facts but because of author's mental realities that make him passive in the face of the past.

Keywords: "Autobiography", "Al-Ayyam", "Taha Hussein", "objectivity", "George May".

* Corresponding Author

m.mahdavi@hsu.ac.ir